

نقش و جایگاه میر شمس الدین عراقی در گسترش تشیع در کشمیر بر اساس تحفة الاحباب

دکتر عبدالله عطایی*

مقدمه:

نفوذ و رواج فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی و زبان فارسی در شبه‌قاره هندوستان از زمان فتوحات مسلمانان در قرن اول هجری آغاز گردیده است. در اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری با حملات غزنویان و به تبع آن فتوحات آنان سرعت بیشتری به خود گرفت، اما آنچه موجب تعمیق و پایداری این نفوذ گردید، مهاجرت خیل عظیمی از علما، شعرا و به‌ویژه عرفای ایرانی به شبه‌قاره هند بود. این مهاجرت‌ها از اوایل قرن هفتم هجری با دوره‌ای در هند به نام دوره سلطنت (602-932ق) و در پی آن با هجوم ویرانگر مغولان به ایران سرعت و گستردگی بیشتری یافت.

*. استادیار دانشگاه بوعلی‌سینا.

در این دوره سیددوسی ساله چندین سلسله ایرانی تبار بر بخش‌های وسیعی از هندوستان و به‌ویژه شمال آن کشور حکومت کردند و این سلسله‌های حکومتی محملی برای رواج فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی و زبان فارسی شدند؛ به نحوی که صدها اثر ارزشمند علمی، ادبی و تاریخی به قلم ایرانیان مهاجر به زبان فارسی در هندوستان آفریده شد.

هم‌زمان با تأسیس دوره سلطنت در هند (سلسله مملوکان) تهاجم ویرانگر و تمدن‌سوز مغول به ایران آغاز گردید. این موضوع تعداد بیشتری از علما و فرهیختگان ایرانی را به مهاجرت به هندوستان و پناه بردن به محیط امنی که سلسله‌های مسلمان ایجاد کرده بودند برانگیخت. این مهاجران توانستند اثرات عمیقی بر جامعه هند برجای نهند. مهاجرت‌ها در دو مقطع زمانی از شدت و حدت بیشتری برخوردار بود، اول پس از تهاجم مغولان به ایران که موجب فروریختن نهادهای اجتماعی، سیاسی و مدنی در ایران گردید و دوم در خلأ پس از فروپاشی مغول و ظهور تیمور لنگ. در دوره دوم مهاجرت‌ها به‌ویژه مهاجرت‌های عرفای ایرانی، آثار عمیق‌تر و پایدارتری بر سرزمین هند داشت.

در میان مهاجرین به بخش شمال غربی هند مهاجرت میر سید علی همدانی (وفات: 781ق) بسیار مهم و اثرگذاری آن عمیق و پایدار بوده است؛ به طوری که تاکنون سرزمین کشمیر تحت تأثیر مهاجرت همدانی و هفتصد نفر همراهان او از اقشار و حرفه‌های مختلف که در این سرزمین ماندگار شدند قرار دارد. این کاروان هفتصد نفری توانستند در دل هندوستان بزرگ ایران صغیر را ایجاد کند (نک: دیوان اقبال لاهوری).

پیروان سید همدانی، که به کبرویه همدانی معروف‌اند، در آسیای مرکزی و هند قرن‌ها منشأ اثر بوده‌اند و تاکنون نیز در کشمیر فعال و مؤثر هستند. نخستین جانشین همدانی، خواجه اسحاق ختلانی بود. وی سید محمد قاننی را تحت تعلیمات خود گرفت و پس از مدتی با اعطای لقب نوربخش به وی، او را به عنوان مهدی معرفی نمود. این موضوع منجر به قیام نوربخشیه به رهبری سید محمد قاننی در دوره حکومت شاهرخ تیموری (779-850ق) گردید و در نتیجه شکست این قیام خواجه اسحاق اعدام شد؛ اما سید محمد نوربخش به دلیل نفوذ و جایگاه والایی که در میان مردم داشت از اعدام

رهایی یافت و شاهرخ میرزا تنها به تبعید او به شیراز اکتفا کرد (فرهانی منفرد، ص 243). با وجود این طریقت نوربخشیه که استمرار طریقت کبرویه همدانیه است در ایران، آسیای مرکزی و کشمیر به تبلیغات و حیات خود ادامه داد. خلیفه و جانشین سید محمد قائنی یعنی شاه قاسم فیض‌بخش مدتی مورد توجه سلطان حسین میرزا بایقرا (حکومت: 873-911ق) قرار گرفت و در هرات ساکن شد. در این دوره شیعیان در هرات، پایتخت تیموریان نفوذ قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده بودند و سلطان حسین میرزا در برخی موارد از آنان و به‌ویژه از شاه قاسم فیض‌بخش برای حل مشکلاتش کمک می‌گرفت؛ تا جایی که برخی از مریدان و خلفای فیض‌بخش را به سفارت به سایر سرزمین‌ها می‌فرستاد؛ از جمله یکی از خلفای شاه قاسم انوار را در سال 888 ق برای تهیه داروهای گیاهی و ادویه هند و همچنین مذاکره با پادشاهان کشمیر به این سرزمین به عنوان سفیر اعزام نمود. میرشمس‌الدین عراقی مرسید و خلیفه شاه قاسم فیض‌بخش در انجام این سفارت راهی سرزمین کشمیر گردید و مدت هشت سال در آن سرزمین باقی ماند؛ به طوری که اصل سفارت او به فراموشی سپرده شد. او در این مدت توانست با احیا و فعال نمودن مریدان و خلفای همدانی، سلسله کبرویه همدانی را در کشمیر مطرح کند. عراقی خانقاهی با حمایت صدر اعظم وقت برای آموزش‌های این طریقت بنیاد نهاد و چون سفیر سلطان حسین بایقرا محسوب می‌شد تا حدودی از حمایت دولت کشمیر نیز برخوردار بود. او از این زمینه به نحو مطلوبی استفاده نمود و حتی توانست طرفداران و مریدان طریقت کبرویه همدانی را در ارکان حکومت کشمیر نفوذ دهد. این امر مخالفین او را که بیشتر از علمای بزرگ اهل سنت بودند از مقابله با او به عجز و ناتوانی کشاند. میر شمس‌الدین عراقی توانست طریقت کبرویه همدانی را که بیش از یک قرن از تأسیس آن در کشمیر می‌گذشت دوباره احیا کند و جانی تازه ببخشد؛ به‌خصوص آنکه خانواده‌هایی که همراه میر سید علی همدانی به کشمیر مهاجرت کرده بودند، در این زمان در کشمیر در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، علمی، عرفانی، ادبی، اقتصادی و بازرگانی فعال بودند و خود پستوانه‌ای قوی برای فعالیت‌های میر شمس‌الدین عراقی محسوب می‌شدند.

پس از بازگشت میر شمس‌الدین عراقی از سفارت هشت ساله خود به هرات، او مورد بی‌مهری سلطان حسین میرزا قرار گرفت و به دلیل آنکه شاه قاسم فیض‌بخش در این زمان در ری ساکن شده بود وی نیز راهی ری گردید. او همچنان در ری بود تا اینکه هنگامی که تعدادی از مریدان سلسله کبرویه همدانی از کشمیر اعزام سفر حج بودند و برای زیارت شاه قاسم فیض‌بخش مسیر خود را از طریق ری انتخاب کردند، شاه قاسم به این نتیجه رسید که باید یکی از خلفای خود را برای هدایت مردم کشمیر و اداره طریقت به این سرزمین اعزام دارد. به همین دلیل وی از میر شمس‌الدین عراقی خواست تا عزم سفر کشمیر کند و اداره امر طریقت نوربخشیه را در آنجا به عهده گیرد. در این سفر بود که عراقی تا پایان عمر در کشمیر ماند و عامل اصلی انتشار تشیع در این سرزمین شد و تاکنون اثرات فعالیت‌های وی در سرزمین دلیپزیر کشمیر واضح است. او در این مرحله توانست طرفداران خود را در ارکان حکومت بگمارد و این امر خشم و کینه بزرگان اهل سنت را در کشمیر به دنبال داشت؛ چنانکه تعدادی از علما و بزرگان سنی‌مذهب کشمیر شکایت به اکبر، پادشاه بزرگ هندوستان بردند و از وی خواستند تا نفوذ شیعیان را که به واسطه مردی ماجراجو به نام میرشمس‌الدین عراقی در ارکان حکومت ایجاد شده است با فتح کشمیر و افزودن آن به قلمرو خود زایل نماید (عطایی، سراسر مقاله). اکبرشاه نیز که پیش از این دو مرتبه سعی کرده بود سرزمین کشمیر را به قلمرو خود ضمیمه کند ولی در هر دو بار با شکست مواجه شده بود، در راستای سیاست استراتژیک خود مبنی بر ایجاد یک هندوستان یک‌پارچه از این درخواست استقبال نمود و در سال 1586م، با حمایت بخش اهل سنت کشمیر که اکثریت مردم آن سرزمین بودند سپاهی به آن سرزمین گسیل داشت و با حمایت اکثریت اهل سنت کشمیر موفق شد با زوال حکومت چک در همان سال سرزمین کشمیر را به قلمرو خود منضم کند. با وجود این نقش و تأثیر تعلیمات میرشمس‌الدین عراقی از بین نرفت و تاکنون هم بخشی از مردم کشمیر تحت تأثیر تعلیمات او بر مذهب شیعه هستند و مناسک و اعمال مذهبی خود را بر مبنای کتاب فقه احوط از سید محمد نوربخش به انجام می‌رسانند و همچنان فریادهای خالصانه میر سید علی همدانی و میر شمس‌الدین عراقی در قله‌ها و

دره‌ها و دامنه‌های کوه‌های هیمالایا طنین‌انداز است. کتاب *تحفة الاحباب* شرح کامل فعالیت‌های او در کشمیر و همچنین تاریخ طریقت نوریخشیه و تذکره خلفای سید محمد نوریخش و انعکاسی از تاریخ اواخر قرن دهم ق است.

وجوه اهمیت *تحفة الاحباب*

تحفة الاحباب در اواخر زندگی محمدعلی کشمیری در دوره سلطنت سلطان حسین شاه چک از حکام مسلمان کشمیر (1563-1570م) به فارسی روان و شیوا تألیف شده است. بنا به قول نویسنده دوستان و احبا از وی خواستند تا کتابی در تاریخ میر شمس‌الدین عراقی تألیف کند. او این کتاب را مسمی به *تحفة الاحباب* نموده و آن را بر یک مقدمه و چهار باب تقسیم کرده است. مؤلف عناوین ابواب را به نحوی انتخاب نموده است که گویای موضوع همان باب باشد. *تحفة الاحباب* کتابی جامع و مبسوط در موضوع و کارنامه میر شمس‌الدین عراقی است. این کتاب در موضوع خود منحصر به فرد است. اقتباس ذیل از *تحفة الاحباب* جامعیت آن را در موضوع تاریخ میر شمس‌الدین عراقی و توسعه اسلام و تشیع و فرهنگ فارسی در سرزمین کشمیر به وضوح می‌رساند.

... چون در اکثر اوقات ذکر محامد و محاسن صفات آن منبع کرامات و مجمع کمالات در مجالس و محافل ارباب سعادات واقع می‌شد و گاهی از مساعی جمیله آن مقتدای انام که در احیای مراسم و شعایر اسلام و ترویج و قواعد شرایع و احکام مبذول داشته‌اند، سخن‌ها می‌رفت و گاهی در کیفیت کسر اوژان و شکست اصنام و تخریب انهدام معابد کفره و پیوست اهل ضلال، حکایات می‌گذشت و گاهی از کثرت بنای مساجد و جوامع و تعمیر خوانق و صوامع ... حدیث می‌کردند... و گاهی از کثرت کرامات و اظهار معجزات و وفور خوارق عادات که از آن حضرت و سایر متمسکان ذیل ولایت و معتصمان عروه هدایت آن مظهر فتوت ظهور می‌نمود استسفار و اسنجاز می‌فرمودند (کشمیری، ص 7-8).

این اقتباس ادعای وجه تصنیف است و به تخصیص، موضوعات را روشن می‌سازد. محمدعلی کشمیری در تألیف این کتاب از منابع متعددی استفاده کرده است که

تعداد آنها به چهل اثر می‌رسد. برخی از آنها عبارتند از:

1. صحیفه‌الاولیا از سید محمد نوربخش 2. فقه احوط (عربی) از سید محمد نوربخش 3. ترجمه فارسی فقه احوط از مولانا محمد حسین کوکبی 4. رساله اقبالیه از علاء الدوله سمنانی 5. بحر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب^(ع) مولانا برهان‌الدین بغدادی 6. دیوان اسیری لاهیجی 7. شرح گلشن راز 8. شرح دیوان قاضی حسین یزدی 9. مثنوی اسرار الشهود از شیخ محمد لاهیجی 10. دیوان اشعار از سید محمد نور بخش 11. مشارب‌الاذواق از میر سید علی همدانی 12. رساله عقاید و بیان احوط (عربی) از سید محمد نوربخش 13. مرثیه محمد غیبی 14. کتاب نوریه از سید محمد نوربخش 15. دیوان حافظ 16. مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بلخی 17. عوارف‌المعارف از شیخ شهاب‌الدین سهروردی 18. تجلیل‌الذات از شیخ نجم‌الدین 19. زاد‌المسافرین و کنز‌الرموز، ولی‌نامه از سید میر حسین السادات 20. اورد فتحیه از میر سید علی همدانی 21. خلاصه‌المناقب از جعفر بدخشی. شرح وقایعی که مؤلف خود ناظر آن بوده و نقل قول بلا واسطه از ملا جمال‌الدین خلیل‌الله و مطالب با واسطه از میر شمس‌الدین محمد عراقی بر اهمیت این کتاب می‌افزاید.

تحفة‌الاحباب اگرچه تاریخ زندگی و کارنامه میرشمس‌الدین عراقی را در بر دارد، اما چون عمیق به مسائل جامعه آن روز کشمیر پرداخته که می‌توان آن را آئینه‌ای تمام‌نما از رویدادهای تاریخی، اجتماعی، ادبی و عقیدتی و مذهبی نامید. از آنجا که در این کتاب اصول و قواعد سلسله نوربخشیه و مباحث فقهی و دینی آن نیز مورد بحث قرار گرفته است برای فهم و درک درست سلسله نوربخشیه گنجینه‌ای بی‌نظیر است.

در این کتاب وقایع سیاسی و تاریخی هم ضبط شده است. بنابراین این کتاب از نظر موضوعاتی سیاسی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، آداب و رسوم، زبانی و ادبی و اقتصادی دارای اهمیت است و برای مطالعات کشمیر، آسیای مرکزی، ایران و افغانستان و تبت مفید است؛ همچنین در باب عادات و رسوم و عقاید مذهبی هندوان کشمیر نیز اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار می‌نهند؛ به علاوه پوشش مردمان، نظام حمل و نقل، صنایع و حرف، زر و زیور و اشیای نفیس، معماری و طرز تعمیر معابد و چگونگی تبدیل

معابد هندو به مساجد از موضوعاتی است که در این کتاب درباره آنها اطلاعات دست اولی به دست می‌آید.

تحفة الاحباب از لحاظ توجه به نام و محل وقوع وقایع مختلف، شهرها، راهها، کوهها، اسامی رودها و تالاب‌های کشمیر، خراسان، ماوراءالنهر، افغانستان، ایران و تبت از حیث جغرافیای تاریخی نیز سودمند است.

بر اساس نظر محمدعلی کشمیری، پس از آنکه سلطان حسین میرزا بایقرا به سلطنت رسید جمعی از خواجه‌گان و مریدان خواجه عبدالله نقشبند نزد وی آمده و به لطایف‌الحیل سعی در ترغیب سلطان به دست زدن به دامن خواجه عبدالله احرار داشتند؛ زیرا جمیع فرزندان و اولاد میرزا تیمور گورکان پیرو اویند. اما سلطان حسین میرزا به سخن و در خواست آنان اعتنایی نمی‌کرد. زیرا به گفته صاحب تحفة الاحباب تمام میل و محبت و مودت خواجه عبدالله احرار منحصر به شاهرخ میرزا و فرزندان او بود و در اندیشه خواجه احرار و مریدانش خطور نمی‌کرد که روزی فرزندان میرزا بایقرا بر اریکه سلطنت تکیه زنند و بنابراین به آنان التفاتی نمی‌کردند. هم از این رو کینه و کدورت سلطان حسین میرزا موجب شد تا در دوره سلطنت به خواجه عبدالله احرار و مریدان او التفاتی نداشته باشد. پس رسائل و مکاتبات متواتره با هدایای کثیره نزد شاه قاسم انوار فرستاده و تشریف قدم او را به ممالک خود استدعا می‌نمود (رسول جان، ص 217).

بعد از آن شاه قاسم انوار همراه ملازمان خود از جمله میر شمس‌الدین عراقی پس از زیارت قبر ثامن‌الائمه حضرت علی بن موسی الرضا^(ع) مشهد را به قصد هرات ترک کرد و با استقبال جمعیتی از خواصان و معتمدان و مقربان دربار وارد هرات گردید و تا مدت‌ها در هرات مرجع رجوع ارکان دولت بود. زمانی که امیر علیشیر نوایی قدرت یافت کم‌کم خواجه احرار و مریدانش نیز موقعیت خود را در حکومت سلطان حسین میرزا تحکیم بخشیدند و اختلافات میان شیعه و سنی در هرات اوج گرفت تا جایی که اوضاع سیاسی پایتخت سلطان حسین میرزا دستخوش ناآرامی شد. از این زمان موقعیت شاه قاسم انوار و مریدان و همراهانش سست و متزلزل گردید. در زمان حضور نوربخشیان در هرات به دلیل اعتماد حسین میرزا بایقرا به آنان، گهگاهی از شاه قاسم انوار تقاضا میکرد تا از

معمدین خویش کسی را معرفی نماید تا سفری سیاسی را به اتمام رساند. این موضوع دوبار اتفاق افتاد: بار اول زمانی بود که شایعه‌ای از جانب عراق در افواه اهل خراسان افتاد که سلطان یعقوب آق قویونلو (حکومت: 883-896ق) با لشکری جرار متوجه ولایت خراسان شده است، اتفاقاً در این ایام سلطان حسین میرزا در بستر بیماری بود و بنابراین تأثیر شایعه مضاعف گردید:

سلاطین اطراف و خواقین اکناف دلیر شده در قصد گرفتن این ممالک
مبادرت و مسابقت می‌نمودند (همو، ص 238).

با شیوع این اخبار مردم در هرات و بزرگان خراسان در کثرت اضطراب افتادند و سلطان حسین میرزا جهت تصحیح این اخبار به مشورت با ارکان حکومت خود پرداخت و نتیجه این شد که سریعاً فردی لایق و مورد اعتماد به عراق اعزام گردد و اخبار صحیح کسب کند تا تدبیر لازم اندیشیده شود. قرار بر آن شد تا از شاه قاسم انوار کمک گرفته شود و کسی از ملازمان او این مأموریت را به انجام رساند. وی نیز میر شمس‌الدین عراقی را شایسته انجام چنین مأموریتی تشخیص داد. این نخستین مأموریت سیاسی میر شمس‌الدین عراقی بود.

دومین سفر سیاسی میر شمس‌الدین عراقی به طرف سرزمین کشمیر بود. زیرا سلطان حسین میرزا در بستر بیماری قرار گرفته بود و نیاز فوری به تهیه دارو و ادویه‌های مختلف که در کوه‌های کشمیر به دست می‌آمد، پیدا شد. بنابراین سلطان حسین میرزا مصمم شد تا سفیری با نامه و تحف و هدایا به دربار پادشاهان کشمیر فرستد. این بار نیز کسی جز میر شمس‌الدین عراقی در نظر او شایسته این سفارت نرسید؛ زیرا در سفارت پیشین مقصود به نحو بسیار مطلوب حاصل شده بود. بنابراین میر شمس‌الدین عراقی با تحف و هدایا و نامه‌های سلطان حسین میرزا به سال 888ق عازم کشمیر شد.

درباره نویسنده کتاب

زندگی و حالات محمدعلی کشمیری در ابهام قرار دارد و محتاج بررسی و پژوهشی مستقل است. شاید به دلیل کمتر شناخته‌بودن کتاب *تحفة الاحباب* و عدم وابستگی

مؤلف به حکام وقت نسخه‌های زیادی از این کتاب در دسترس نبوده و در تذکره‌ها و فهرست‌ها کمتر نامی از این کتاب و نویسنده‌اش برده شده است. البته نویسندگان تاریخ کشمیر از نیمه دوم قرن بیستم استنادات قابل توجهی به *تحفة الاحباب* در شرح تاریخ کشمیر داشته‌اند. ملا عبدالباقی نهبانندی در *مآثر رحیمی* ضمن شرح احوال علما و فضلا به معرفی محمدعلی کشمیری پرداخته و بخشی از ویژگی‌های شخصیتی وی را به شرح زیر بیان کرده است.

محمدعلی کشمیری از ولایت دلپذیر کشمیر بود و خالی از استعداد نبود و به قدر مقدور و در وادی طلب علم کوشیده بود و در انشاء و قوفی تمام داشت و در اوایل حال که از کشمیر برآمده در دکن در احمدنگر در سلسله سعادت خان دکنی که از ممالک شاه بود و اعتبار و اقتدار تمام نیز داشت. یک چندی نیز به خدمت برهان‌الملک پادشاه احمدنگر رسید و ملازمت یافت. چون دکن بر دست این سپهسالار مفتوح شد و سلسله نظام‌شاهی مستأصل شد به غیر از دربار این پناه درماندگان پناهی ندید. به وسیله مقربان و بازیافتگان ایشان در سلک ملازمان و مجلسیان در آمد و به علوفه و جاگیر لائقه سرافراز شد و به دستور دیگر مستعدان بر ماهیت می‌گذرانید و از خوان ایشان بهره‌مند بود تا آنکه وضعیت و حالات خود را بر این سپهسالار ظاهر ساخت و به تاریخ سنه 1025 در برهانپور به ترجمه کتاب... (کذا) از تصانیف مشهوره علامه العلماء خواجه صائن‌الدین ترکه که از عربی به فارسی آرد مأمور گردید و کمال حالت و فضیلت در آن کتاب به کار برده، آن خدمت را به انصرام رسانید و دیباچه آن را به نام نامی ایشان مزین ساخت و در آن ترجمه ید بیضا نموده بود، هنگام معروض داشتن و گذرانیدن آن نسخه راقم در حاشیه آن بزم حاضر بود که غایت مستحسن و مقبول افتاد و به صلوات و انعامات سرافراز گردید تا آنکه به تاریخ پانزدهم شهر ربیع الثانی سنه هزار و بیست و پنج در هنگام توجه این سپه سالار به جانب دکن در حوالی ملکاپور نقد حیات به قابض ارواح سپرد و در آن مکان برآسود (عبدالباقی نهبانندی، ص 58-59).

پروفسور عبدالقادر سروری با استناد به *مآثر رحیمی* در ضمن شرح احوال علمای کشمیر در زمان اکبر شاه (1064-1111ق) محمدعلی کشمیری را چنین معرفی می‌کند: وی از اهل کشمیر به دکن آمد و در احمدنگر به امیر نظام شاهی سعادت

دکنی متوسل شد. بعد از آن ملازمت برهان الملک نظام اختیار کرد. چون عبدالرحیم خانخانان احمدنگر را فتح نمود از علمای آنجایی با محمدعلی ملاق شد. خان خانان از قابلیتش خیلی متأثر شد و وی را در دربار خود شامل نمود. ملا در ملکا پور در سال 1615 وفات یافت (سروری، ص 96).

از توضیحات عبدالباقی نپاوندی و به تبع آن پروفسور عبدالقادر سروری چنین استنباط می‌شود که ملا محمد کشمیری همان مصنف تحفة الاحباب بوده است. غلامحسین بلتستانی معتقد است که ملا محمدعلی کشمیری نام دو نفر از علمای کشمیر بود؛ یکی از آنان خطاط معروف و زبردست دوره اکبری است و دومی مصنف تحفة الاحباب است. در ترقیمه نسخه تحفة الاحباب نام کاتب ذکر نشده است. به نظر می‌رسد کاتب همان مصنف (تحفة الاحباب) همان خطاط معروف و مشهور به ملامحمد علی کشمیری است که وی در خط نستعلیق از شهرت به سزایی برخوردار بوده است (فصلنامه دانش، ص 183-184).

عهد مصنف

ملا محمدعلی کشمیری از دوران کودکی همراه پدرش در مجالس میر شمس‌الدین عراقی حضور پیدا می‌کرد و از نزدیک شاهد فعالیت‌های این عالم فرهیخته بود؛ چنانکه واقعه ذیل گویای این حقیقت است:

یاد دارم که در سن پنج سالگی بودم و مرا جهت سلام و تشریف دیدار پیش حضرت آن بردند و چون نزدیک رسانیدند درخت توتی بزرگ بود. زیر آن درخت فقیر را گرفته منتظر ماندند تا پدر بزرگوار فقیر را که خبر کردند ... و پدر بزرگوار، این فقیر را در کنار خود گرفته، پیش آن حضرت برد و برای محافظت ادب اندک دورتر نشاند. آن حضرت فرمودند که (او را) نزدیک‌تر بیارید. ... و یاد دارم که آن حضرت چیزی می‌خواندند و دست مبارک بر روی این فقیر می‌کشیدند و قریب هفت هشت مرتبه همین ملاطفت درباره این بی‌بضاعت مبذول می‌داشتند. ... و این نوبت که به شرف دیدار آن حضرت مشرف و سرافراز گشتم بر وجه مبارک آن حضرت چندان نظرها کردم و دیده‌های خود را به اشعه انوار او چندان روشن و منور ساختم که تمام صورت

او و شکل و شمایل آن حضرت در خزینه خیال و منقش است (رسول‌جان، ص 389-391).

این واقعه بر این امر دلالت دارد که صاحب *تحفة الاحباب* از کودکی در ملازمت عرفا بوده و خود از محضر میرشمس‌الدین و جانشینان وی فیوضات روحانی دریافت می‌کرده است. اختصاص عنوان ملا به محمدعلی دلالت بر آن دارد که وی علوم و معارف دینی آن زمان را کسب کرده بود. همچنین از *تحفة الاحباب* بر می‌آید که نویسنده بر علوم و فنون رایج زمان خود احاطه داشته و دواوین برخی شعرای فارسی‌سرای را از بر داشته و بر زبان فارسی و عربی نیز مسلط بوده است.

وی که دوره حکومت میرزا حیدر دوغلات (حکومت: 1563-1579ق) را درک کرده آن دوره را برای شیعیان دوره‌ای تاریک توأم با ظلم و ستم توصیف می‌کند. او در برخی محافل ادبی دربار میرزا حیدر دوغلات حضور داشته و شرح آنها را مکتوب کرده است. او به گفته مؤلف، او در مجالس ادبی میرزا حیدر شرکت می‌کرد و شخصاً در مباحث و مناظرات شرکت می‌نمود.

در یکی از مجالس ادبی که دربار میرزا حیدر دوغلات منعقد شد و موضوع بحث این مجلس ادبی شعر و شاعری مولانا جامی بود و این بحث ما بین خود میرزا حیدر و مولانا آبی هروی به وقوع آمد، من فقیر در این مجلس بودم و تمام سوالات این معاملات از زبان آنها به گوش خود شنیدم (همو، ص 14).

با وجود این چون محمدعلی کشمیری بر مذهب تشیع بود دوره میرزا حیدر دوغلات را که سنی حنفی بود دوره‌ای تاریک توأم با ظلم و ستم بر پیروان مذهب شیعه معرفی می‌کرد.

مذهب مصنف

ملا محمدعلی کشمیری مؤمنی حقیقی به دین اسلام بود. وی علی را ولی‌الله و خلیفه رسول‌الله (ص) می‌داند و چنگ زدن به دامن ولایت آن حضرت را مایه نجات و رستگاری معرفی می‌کند. وی محب اهل بیت (ع) بوده و دشمنان آنها را لعن و نفرین می‌کند. به

زعم وی رنجاندن فقرا و درویشان ناپسند می‌باشد. زیرا نفس ایشان خالی از معنی نبود (همو، ص 515). وی داعی و پیرو و ترجمان و حامی سلسله همدانیه بود و سلسله نوریخشیه را منبعث از سلسله همدانیه می‌داند. کشمیری خود را مقلد سید محمد نوریخشی می‌داند و دیگران را نیز به تقلید از او دعوت می‌کند.

نسخه‌های موجود تحفة الاحباب

در کتابخانه دانشگاه قائد اعظم اسلام‌آباد (پاکستان) نسخه خطی تحفة الاحباب وجود دارد. این نسخه ناقص است.

نسخه‌ای از تحفة الاحباب در کتابخانه شخصی آقای غلامحسن بلتستانی وجود دارد. این نسخه جامع و مبسوط است و مشتمل بر 524 صفحه است و در هر صفحه 17 سطر و هر سطر 15 کلمه دارد. در ترقیمه این نسخه چنین آمده است:

تمت هذه الكتاب المسمى به تحفة الاحباب به تاریخ ثلث و سر (کذا) شهر جمادی الثانی سنه الف و خمسين من هجره پیغمبر^(ع).

هرچند این نسخه کاملترین نسخه از تحفة الاحباب است، ایرادات و اشکالاتی هم دارد. از جمله اینکه در بعضی جاها کرم‌خوردگی دارد و برخی مطالب نیز از تحریف کاتب مصون نمانده است. در برخی صفحات هم افتادگی‌های مختصری وجود دارد. صرف‌نظر از اشکالات مذکور نسخه خطی غلامحسن بلتستانی هم از نظر جامعیت و هم از نظر قدمت بر سایر نسخه‌های موجود ارجح است.

در کتابخانه تحقیق و اشاعت کشمیر، شعبه مخطوطات عربی و فارسی، اداره دولتی جامو و کشمیر، دست‌نویسی تحفة الاحباب با شماره 551 نگهداری می‌شود. این نسخه تنها مشتمل بر باب چهارم کتاب است. کاتب این نسخه، قاضی نظام‌الدین، است. نسخه تاریخ کتابت ندارد و در پایان آن آمده است:

ثم هذا الباب الاخير من الكتاب المسمى به تحفة الاحباب فی بیان کیفیت کسر الاوثان و الاصنام و تهديم الموثن و المصنم رب العزه و الکرّم.

ترجمه‌های تحفة الاحباب به زبان اردو

کتاب *تحفة الاحباب* سه بار به زبان اردو ترجمه شده است:

1. به قلم جلال‌الدین غازی میثم با نام *رد المرتاب*. این ترجمه که تنها بخش چهارم کتاب را شامل می‌شود سلسله‌وار در مجله *الارشاد* در کشمیر چاپ و منتشر شده است.
 2. ترجمه دیگری از *تحفة الاحباب* به قلم محمدرضا آخوندزاده با نام *تحفة کشمیر* در سال 1997م انتشار یافته است. این ترجمه بسیار مغلق و مبهم است.
 3. در سال 2006م ترجمه *تحفة الاحباب* به زبان اردو به قلم دکتر غلام رسول جان، استادیار بخش فارسی مرکز مطالعات آسیای مرکزی دانشگاه کشمیر منتشر شده است. این ترجمه شامل پنج فصل است: شرح حال میر شمس‌الدین عراقی بررسی شده است اهمیت *تحفة الاحباب* در ارتقاء فارسی‌نویسی در هند، تصحیح باب اول *تحفة الاحباب* ترجمه اردوی باب اول.
- بنابراین با آنکه کار دکتر غلام رسول جان کامل‌ترین کاری است که تا کنون در مورد کتاب *تحفة الاحباب* انجام شده اما ایشان تنها باب اول از کتاب را تصحیح و به زبان اردو ترجمه کرده که آن هم به سبب عدم آشنایی رسول جان با مباحث تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران قرن دهم و یازدهم اشکالاتی در تصحیح متن وجود دارد.

منابع:

- رسول جان، غلام، *تحفة الاحباب*، نشر جان پبلکیشنز، 2006م.
- سروری، عبدالقادر، *کشمیر میں فارسی ادب کے تاریخ، سرینگر، 1968م.*
- عبدالباقی نھاوندی، مآثر رحیمی، چاپ کلکتہ، ج 3، 1931م.
- عطایی، عبدالله، «رساله‌ای در فن شالبافی»، *آیینہ میراث*، ش 40، 1387.
- فرهنگ منفرد، مهدی، *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، 1382.
- *فصلنامه دانش*، اسلام آباد، تابستان 1369.